

مدرسه

ماه مهری که می‌تواند با خود بحران به همراه داشته باشد

هادی معتمد | جامعه‌شناس

به خرج دهند و همین انعطاف آنها را به انحراف می‌کشاند. هم‌نگ شدن دانشجویانی که به تهران آمده‌اند با سبک زندگی تهرانی‌ها خود می‌تواند تبدیل به یک بحران اجتماعی شود. موضوع بعدی کاهش جمعیت بچه‌هایی است که امسال به مدرسه می‌روند. تک‌فرزندی باعث شده تا اول مهر بچه‌های کمتری پشت میز و نیمکت‌ها بنشینند و همین بحرانی برای جامعه به حساب می‌آید. بسیاری از مدارس دچار کمبود دانش‌آموز هستند و همین موضوع مدارس غیرانتفاعی را دچار بحران اقتصادی

خواهند کرد. این دو بحران اجتماعی و اقتصادی که از آن نام بردیم می‌تواند در فصل جدید، جامعه را با خود درگیر کند و حتی در مواقعی می‌تواند ضربه زنده باشد. این معضلات برای اقشار گوناگون حایز اهمیت است. مثلاً این که بخشی از معلمان هستند که به لحاظ اقتصادی با آن درگیر می‌شوند و بخش دیگر نهادهایی است که نسبت به اتفاقات و موضوعاتی که در باب مسائل اجتماعی به

وقوع می‌پیوندد باید وارد عمل شوند. نتیجه‌ای که حاصل می‌شود این است که اگر در مورد بحران‌هایی که به ظاهر اهمیت چندانی ندارند وارد عمل نشویم و تدابیر درست اتخاذ نکنیم، همین موضوعات کوچک می‌تواند کم‌کم مثل سرطان رشد کند و باعث به وجود آمدن معضلات بیشتری شود. پس باید در آغاز فصل جدید به این دو موضوع اهمیت ویژه‌ای دهیم و نسبت به آنها بی‌توجه نباشیم.

اول مهر، آغاز یک تحول است؛ یک تحول بزرگ در سراسر کشور و در میان اقشار مختلف. گروهی در این میان برای نخستین بار در زندگیشان پایه عرصه تحصیل علم و دانش می‌گذارند. کودکانی که در هفتمین سال زندگیشان، اولین سال تحصیلی‌شان را آغاز می‌کنند. اولین سال ورود به مدرسه و اولین سال جدایی از خانواده خصوصاً برای آن دسته از افرادی که برای ورود به دانشگاه، قصد ترک خانه و خانواده را می‌کنند و از شهر و دیار خود به شهری دیگر عظیمیت می‌کنند. ماهی ویژه است که از دو منظر نگاه می‌توان به این مقوله نگاه کرد و به تشریح و توصیف آن پرداخت؛ یکی از منظر اجتماعی و دیگری، از منظر اقتصادی. در ابتدا باید به دانشجویان دختری اشاره کرد که در شهرهای دیگر دانشگاه قبول می‌شوند. کلاس‌های آن‌ها که تا پیش از آن تصویری نسبت به آن نداشتند. آنها در معرض فضاهای تازه‌ای قرار می‌گیرند و با افراد مختلفی تعامل برقرار می‌کنند. این اتفاق به‌خصوص در مورد دانشجویانی که به تهران می‌آیند مصداق بیشتری دارد. در تهران افرادی با عقیده‌های متفاوتی وجود دارند. نوع خانواده‌ها باعث می‌شود تا هر کس رفتار متفاوتی داشته باشد و همین می‌تواند خیلی از دخترانی را که برای ادامه تحصیل به تهران آمده‌اند را دچار تنش کند. تا خیلی‌ها در سال‌های اولی که به تهران آمده‌اند دچار لغزش می‌شوند چرا که می‌خواهند در برخورد با افراد مختلف انعطاف

جامعه مدرن و اقتضات آن

جامعه مدرن بدون تردید جامعه‌ای با قالب‌ها و سبک‌های زندگی کاملاً متفاوت از گذشته است. مناسبات اجتماعی در این جامعه با تفکیک قوا در ساختار حکومتی مردم سالارانه و ناشی از سازوکارهای انتخابگری و آرای عمومی در فرآیندهای انتخابات آزاد صورت می‌گیرد. در این جامعه از ساختار یکپارچه حکومت استبدادی خبری نیست. پارلمان، احزاب سیاسی، اقتصاد باز و بازار آزاد همراه با حرفه‌ای‌گری، توسعه ارتباطات اجتماعی، گسترش سواد عمومی و توسعه آموزش سیستماتیک سلسله مراتبی و نقش برجسته رسانه‌های همگانی به‌عنوان نهادهایی ناظر بر عملکرد دولت - ملت که برآمده از آرای مردم است، از ویژگی‌های این جامعه است. توسعه حقوقی و شکل‌گیری سیستم قضایی مدرن یک ضرورت اساسی و عمده در این جامعه است که نیروهای انتظامی دارای مهارت بسیار بالا، با اجرای دقیق مقررات نو و حاکی از روابط پیچیده و نظارت‌های سیستماتیک، سهمی بنیادی در ساماندهی به این جامعه ادا می‌کنند.

گستره همگانی و نقش رسانه‌های عمومی

جامعه مدرن، بدون فضای عمومی که از کارکردهای رسانه‌های همگانی ناشی می‌شود، به وجود نمی‌آید. همان‌طور که گفته شد اعتماد اجتماعی در عصر مدرن در حوزه رسانه‌های همگانی تولید و بازتولید می‌شود و این مهم‌ترین کارکرد رسانه‌ها در عصر مدرن است. در واقع وسایل ارتباط جمعی عمومی نظیر رادیو و تلویزیون برای ایجاد این فضا دارای نقش کلیدی هستند. این فضا، جایی است که مردم، نمایندگان فعالان سیاسی به صورت آزاد در آن به ابراز عقیده و نقد حاکمیت می‌پردازند و افکار عمومی به‌عنوان عنصر کلیدی جامعه مدرن و منشأ کسب اقتدار در آن شکل می‌گیرد تا سیاستمداران خبره و شایسته توسط مردم انتخاب شوند. علاوه بر رادیو و تلویزیون، مراکز آمار دولتی، مطبوعات، موزه‌ها، کتابخانه‌های عمومی و نمایشگاه‌ها و همه موسسات و مراکز که به توسعه سواد عمومی و درک عمومی می‌انجامند در این فضا نقش دارند. در این جامعه نهادها و سازمان‌های متعدد و گسترده و دارای عملکرد آشکار و مبتنی بر قانون مورد رضایت عمومی هستند. سازمان‌های جامعه از ساختی پیشرفته و مبتنی بر مدیریت علمی و عقلانی مبتنی بر آشنی منافع عمومی و خصوصی برخوردارند. در این جامعه اعتماد به صورت لحظه‌به‌لحظه در سراسر وجود نهادها و سازمان‌ها و روابط و مناسبات مردم باز تولید و مدیریت می‌شود و نقش رسانه‌ها و مدیران حرفه‌ای در این جریان بسیار اهمیت دارد.

خانواده، مراکز آموزشی

دانشگاه‌ها و نهادهای مذهبی اعتماد اجتماعی یک سرمایه عظیم اجتماعی و فرهنگی است. خانواده در شکل‌گیری اعتماد اجتماعی نقشی مهم دارد. نخستین معلمان هر فردی پدر و مادر او هستند. پس هوشیار شدن آنان نسبت به این نقش یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است. مراکز آموزشی و دانشگاه‌ها در شکل‌گیری آن نقشی تعیین‌کننده دارند زیرا با تحقیق و مطالعه گسترده و پیوسته و شناسایی عوامل موثر بر کاهش و افزایش اعتماد عمومی مردم و مسئولان کشور را نسبت به نقش و عملکردشان در افزایش و کاهش این سرمایه هوشیار می‌کنند. دانشگاه‌ها همچنین با آسیب‌شناسی خود نسبت به مقوله‌های کلیدی در مناسبات اجتماعی، استفاده از تجربیات دیگر جوامع، آرایه پیشنهادهایی برای برون‌رفت از وضعیت‌های دشوار و... در عمیق شدن مسائل و گسترش بی‌اعتمادی جلوگیری می‌کنند. مساجد، مراکز فرهنگی و دیگر موسسات مذهبی نیز در شکل‌گیری و افزایش اعتماد اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. این مراکز از طریق الگوسازی‌های مذهبی می‌توانند اهمیت اعتمادسازی و نقش همه عناصر اجتماعی را در فرآیندهای اعتمادسازی به صورت برجسته نشان داده و به گسترش این سرمایه باری رسانند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

جامعه بدون اعتماد اجتماعی به‌عنوان یک سرمایه عظیم اجتماعی و فرهنگی نمی‌تواند به پیشرفت و سعادت عمومی دست یابد. جوامع مدرن، که ایران نیز خواه یا ناخواه یک جامعه مدرن به شمار می‌آید، بیش از جوامع دیگر به این سرمایه نیاز دارند، زیرا عوامل بسیاری وجود دارند که مناسبات و روابط میان افراد، گروه‌ها از یک طرف و میان دولت و مردم از طرف دیگر را دچار چالش می‌کنند. تنوع فرهنگی، جهانی‌سازی، گسترش روابط بین‌المللی و نفوذهای نهادی جهانی و ده‌ها عامل دیگر تولید و باز تولید اعتماد اجتماعی را دشوار می‌کنند. دستیابی به اعتماد اجتماعی نیازمند تجدید ساختار جوامع امروزی است. دولت ملی یا همان دولت - ملت می‌تواند به‌عنوان محور شکل‌گیری اعتماد اجتماعی توسعه فرآیندهای تولید و باز تولید این اعتماد نقش آفرینی کند. نخستین گام بازسازی روابط و مناسبات دولت و مردم از طریق رسانه‌های همگانی، وجود آزادی بیان، عقیده، مطبوعات، استقلال مالی و حرفه‌ای و تکرار آراء و رژیم حقوقی تنبیهی و تشکیل دادگاه‌های مطبوعات با حضور عوامل و نهادهای مدنی به جای عناصر حکومتی است.

از آن جا که اعتماد، بزرگترین سرمایه اجتماعی برای پیشرفت و سعادت یک جامعه است و بدون نقش آفرینی سیستماتیک رسانه‌های همگانی به وجود نمی‌آید، بنابراین وسایل ارتباط جمعی و دانشگاه‌های متولی آموزش ارتباطات باید مهم‌ترین سهم را در اصلاح روندهای کنونی داشته باشند و تجدید ساختار و استقلال حرفه‌ای آنها مبرم‌ترین نیاز امروز جامعه ایران است.



آسیب‌شناسی روابط دولت و ملت در ایران از منظر اجتماعی - ارتباطی

چرا اعتماد اجتماعی وجود ندارد

از اشکال ساختاری، مشکلات فرآیندی و توزیع معیوب نقش‌ها و نیز ضعف‌های سامانه‌های نظارتی و کنترلی باشد، پس بی‌اعتمادی، انقلاب‌های پی‌درپی، ستمگری‌های حکومتی و ناراضی‌های عمیق مردم را به اجمال می‌توان عوارض روانشناسانه و جامعه‌شناسانه کج کارکردهای نامتسامت اجتماعی در ایران دانست که هرگز از یک سامانه نظارتی مدرن و سیستمی برخوردار نشده است.

حلقه مفقوده روابط مردم و حکومت در ایران اعتماد بوده است. بنابراین، بیشترین آسیب در روابط اجتماعی ایرانیان را باید در حوزه ارتباطات جست‌وجو کرد. هیچ ایرانی‌ای در گذشته از اعتماد اجتماعی به درستی برخوردار نشده و دارای احساس مشارکت در جریان‌های عمومی جامعه نبوده و پس از ظهور استعمار و نفوذهای استعماری مستقیم و غیرمستقیم این احساس عمیق‌تر و فاصله بی‌اعتمادی فزون‌تر شده است. البته همه حکومت‌ها از این منظر یکسان نبوده‌اند.

اعتماد اجتماعی، یعنی اطمینان افراد نسبت به قصد و نیت طرفین در دادوستدهای اجتماعی و ایفای نقش‌های متقابل، به رابطه موضوع دادوستد و سازوکارهای حفظ اعتماد از سوی نهادهای نظارتی بستگی دارد. همچنین عوامل و مولفه‌هایی مانند صداقت، صمیمیت، صراحت و شفافیت‌های ارتباطی در تعاملی در شکل‌گیری، گسترش و ترویج اعتماد اجتماعی نقش‌یغامی‌کنند. همچنین ارتباطات میان شخصی و جمعی و ارتباطات میان شخصی و جمعی اجتماعی نیز می‌تواند به شرط فراهم شدن زمینه‌های دیگر از فضاهای ارتباطی آغاز شود.

اعتماد اجتماعی در ایران در بستری تاریخی حکایت از فقدان زمینه‌ها، مولفه‌ها و سازوکارهای نظارتی برای

اسماعیل قدیمی
جامعه‌شناس

از تباط میان ملت و دولت بدون واسطه رسانه جمعی یا با واسطه وسایل ارتباط جمعی، هر دو بر محور اعتماد و مشارکت معنا می‌دهند و بدون این دو مولفه فاقد کارایی هستند. مطالعه ارتباط و رابطه میان دولت و ملت و آسیب‌شناسی آن باید بر این پیش‌فرض استوار شود که اعتماد اجتماعی و احساس مشارکت، نیاز راستین هر ارتباط میان شخصی و روابط اجتماعی در عصر مدرن است. پیش‌فرض دوم، ساختار وجودی ملت و دولت است که در سیر تحول تاریخی خود از قالب حکومت استبدادی در عصر پیشامدرن، به دولت - ملت دموکراتیک مدرن و سپس به دولت جهانی پسامدرن تغییر یافته‌اند. این تغییر در کشورهای غربی درون‌زا و در دیگر قاره‌ها و از جمله آسیا و به تبع آن ایران، برون‌زا بوده است. ملت و دولت در این جاساختارهایی انسانی هستند که از جنبه‌های گوناگون با موارد مشابه خود در اعصار گذشته متفاوت هستند. در عصر مدرن و پسامدرن ارتباط و ارتباطات دولت و ملت، یک نسبت سیستمیک، دموکراتیک، قانون‌مدار و مبتنی بر تعامل با واسطه، انتقالی، خردگرایانه و سازوکارهای پاسخگویی شهروندی است که در عصر پسامدرن شاهد فشرده‌جانی برای تطبیق با استانداردهای بین‌المللی نیز خواهد بود.

سومین پیش‌فرض این است که ملت و دولت در عصر مدرن در مناسباتی عمیق، گسترده و مبتنی بر وجود حوزه‌های عمومی، تفکیک قوا، انتخابات و حرفه‌ای و صدها شرط و شروط تعریف می‌شوند. دولت و ملت در این جامعه، روابطشان بر اساس خردمندی، تفکیک حوزه‌های خصوصی و عمومی، انتقاد، علم‌گرایی و حقوق مدنی و تکالیف شهروندی استوار شده است.

آسیب‌شناسی اجتماعی

اگر آسیب‌شناسی را شناسایی کج کارکردهای عناصر یک سیستم تعریف کنیم که می‌تواند ناشی

قاب

این اثر «جنگ هنوز تمام نشده» نام دارد. «Nafir»، گرافیتی هنرمند ایرانی این کار را روی یکی از دیوارهای سطح شهر تهران اجرا کرده است.

